

بمناسبت صدمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان:

احمد ضیا سپهر صدیقی:

"از سر گیری پیکار استقلال طلبانه، دادخواهانه و دموکراتیک در واقع،

گرهگاه رزمنده گان راستین آرمانهای مردم با تاریخ و آینده وطن است"

بیست و هشت اسد ۱۳۹۸ خورشیدی، مطابق (۱۹ اگست ۲۰۱۹ عیسایی) مصادف است به روز تجلیل صدمین سال استقلال افغانستان. دولت آن وقت افغانستان در پی جنگهای خونینی که با دولت بریتانیای کبیر داشت با حمایت و پشتیبانی قاطع خلقهای افغانستان موفق شد استقلال خود را رسماً در سال ۱۲۹۸ خورشیدی، مطابق ۱۹۱۹ عیسایی، بوسیله شاه امان الله اعلام کند.

این رویداد تاریخی با توجه به فضای آن سالها و گسترش قدرت استعماری بریتانیا بر بخشهای وسیعی از جهان، حرکتی بود انقلابی، استعمار شکنانه، ضد ارتجاع و اشغالگری و علیه استبداد و امپریالیزم جهانی. اعلام "آزادی- استقلال" افغانستان در واقع تکانه جدیدی بود در راستای تشدید جنبشهای آزادیبخش ملی و نهضت های استقلال طلبانه و خودمختاری در جهان.

افغانستان نخستین کشوریست که یک سده قبل از امروز اولین حلقه زنجیر استعمار امپراطوری انگلیس را درقاره آسیا شکست. این کشور طی این دوران یکصد ساله فراز و نشیبهای فراوانی را از سر گذرانده است، مردمان این سرزمین از حکومتهای استبدادی خود کامه جبارسلطنتی که از متن استبداد دیرینه شرقی سر برآورده بودند تا اشغال به وسیله نیروهای ارتش سرخ شوروی و تا ظهور حاکمیت انارشپیستی مجاهدین و حضور و سقوط طالبان و همچنان ورود نظامیان خارجی و اشغال این سرزمین بوسیله امریکا- ناتو، روزهای دشوار خونین، پرعذاب و مصیبتهای فراوانی را سپری کرده اند. علیرغم قربانی های بی شمار با دریغ که پس از صد سال افغانستان در همان نقطه قرار دارد که پیش از بدست آوردن استقلال بود.

با پذیرش اینکه مفهوم اساسی استقلال در زنده گی امروزه تمثیل مستقلانه حاکمیت ملی یا به عباره دیگر تبارز حاکمیت جامعه و یا مردم در عرصه سیاست داخلی و خارجی است. ولی میبینیم که بعد از گذشت یک سده هنوز هم حاکمیت ملی افغانستان زیر سوال قرار دارد و مردم این سرزمین به اجرای اهداف استقلال خویش نایل نگردیدند.

با آنکه یکی از اهداف نخست استقلال سیاسی ایجاد یک دولت مستقل ملی است، ولی متأسفانه علی الرغم تلاش هایی که در این راستا صورت گرفته حکومتهای افغانستان نتوانستند و یا نخواستند حتی مولفه های ابتدایی یک دولت مستقل ملی را که عمدتاً مشخص بودن مرزهای سیاسی و جغرافیایی کشور است بوجود آورند.

از دید من با آنکه مفهوم آزادی و استقلال با هم رابطه تنگ دارد ولی مفهوم واقعی و سرشتی استقلال آن است که، این استقلال باید عاری از انواع ستم منجمله ستم ملی، قومی، زبانی، مذهبی و جنسی و عاری از استبداد داخلی و خارجی باشد (استبداد قومی، دینی، فکری سیاسی و زبانی). وقتی یک کشور میتواند ادعای استقلال واقعی کند که از این ستمها و استبدادها رهایی یافته باشد.

هموطنان ما شاهد اند که به رغم تبلیغات فریبنده حاکمان داخلی و خارجی کشور، با گذشت یک قرن از اعلام استقلال افغانستان و قریب بیست سال حضور نیروهای نظامی امریکا- ناتو، هیچ یک از اهداف استقلال طلبان و آزادی خواهان تحقق نیافته است.

"بحرانی که از چهار دهه بدین سو دامنگیر جامعۀ افغانی است راه حل نیافت؛ نظامهای کهنه و مناسبات کهن فروپاشیدند ولی کدام نظام سیاسی - اقتصادی جدید و مناسبات اجتماعی وابسته به آن در افغانستان حاکم نشد. روند جهانی شدن سرمایه داری که افغانستان را هم درنوردیده است، علی الرغم حاکمیت یک بورژوازی فاسد و انگل منش وابسته به امپریالیزم، نتوانسته است به حیث نظام مسلط اقتصادی - سیاسی ظهور کند و مناسبات ناشی از شیوۀ تولید سرمایه داری را به حیث مناسبات حاکم در جامعه مستقر سازد. این وضعیت بحرانی مستدام همراه با دیکتاتوری پول از طریق سرازیر شدن میلیاردها دالر باعث از بین رفتن نظام ارزشی در جامعۀ افغانی گردیده، بحران معنوی - اخلاقی را بر بحران سیاسی - اقتصادی افزوده است. (سند ملاحظات حزب نوین)"

در دوران استعمار کهن، استعمارگران حضور فزینی - نظامی در کشورهای دیگر داشتند و علاوه بر اشغال سرزمین، بر آن کشورها اعمال حاکمیت می کردند و منابع سرزمینهای آنها را به غارت و تاراج میبردند و لشکر کشی و کشتار را موجه جلو می دادند، با آنکه دوران استعمار کهن به سر آمده است ولی وضعیت سیاسی - نظامی و اقتصادی کشور طوری است که میپنداری افغانستان هنوز در دوران استعمار کهن قرار دارد.

ما برآنیم که کشوری در عدم داشتن قدرت تصمیم گیری و سیاست گذاری، همراه با اعمال این تصمیمها و سیاستها در حیطه حاکمیت و قلمرو خویش نمیتواند ادعای استقلال کامل را نماید.

اگر کشوری اشغال نگردیده باشد و زیرسلطه تصرف قدرت خارجی نباشد، مبارزۀ استقلال طلبانه به هدف حصول مجدد و تحکیم استقلال هم معنی ندارد. شعار استقلال طلبی به معنی قطع رابطه با غرب و نظام سرمایه داری جهانی نیست. در جهان امروز که بحث های چون جهانی شدن و شکستن مرزهای دولت ها مطرح است، استقلال معنایی گسترده را ایفاده میکند، استقلال به معنای آن نیست که به هیچ یک از کشورهای دیگر نیاز نداشته باشیم. مقصود این است که کشور به ابرقدرتها و کشورهای اشغالگر، استعمارگر و تجاوز گر یک سره وابسته نباشد و تحت سلطه آن ها قرار نگیرد و مردم بتوانند خود درباره مصالح شان تصمیم بگیرند.

وقتی یک کشور درست از نظر اقتصادی- نظامی و سیاسی وابسته به کشورهای بیرون باشد نمی تواند اراده ملی خود را در مناسبات بین المللی تمثیل کند و نمیتواند از استقلال خود به عنوان یک عنصر مثبت در تحقق منافع ملی خویش کار گیرد. به همین لحاظ از سر گیری مبارزه استقلال طلبانه در بستر تاریخی و شرایط خاص، پیچیده و عینی کشور تعریف خود را پیدا میکند..

با فهم اینکه وضعیت کنونی و فرآیندها و رویدادهای جاری افغانستان محتوم و ابدی نیست،
و با فهم اینکه نیروهای آگاه، آزادی خواه، وطندوست، دادگر، دموکرات، هومان‌یست و علاقمند به سرنوشت و
آینده وطن میتوانند با مبارزه پیگیر، شکیبا، مشترک و متحدانه خویش، مسیر انحطاطی کشور را به سوی اعتلا و
توسعه و ارزشهای جهان شمول تغییر دهند، از سرگیری پیکار استقلال طلبانه، دادخواهانه و دموکراتیک را که در
واقع، گرهگاه رزمنده گان راستین آرمانهای مردم با تاریخ و آینده وطن است اعلام نمودیم و در این راه گام
گذاشتیم و از هر نیروی که در این راستا قدم و قلم بر دارد پشتیبانی میکنیم.

گرامی باد صدمین سالگرد استرداد استقلال کشور؛

درود به روان پاک همه جانباخته گان راه استقلال، آزادی، ترقی، دموکراسی و توسعه و انکشاف کشور؛